

## رفقای هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

امیدوارم مراتب زیر را که با سرنوشت حزب توده ایران ارتباط می‌یابد با برخورد مسئولانه و در آن حد که از بالاترین مقام حزبی انتظار می‌رود مورد توجه قرار دهید.

در شهریور ماه گذشته از طرف رفیق خاوری دبیر اول حزب توده ایران یک جلسه عمومی مرکب از اعضای حزب مقیم کابل به منظور آشنا ساختن آن‌ها با جریان کنفرانس ملی و سیاست و خط مشی حزب تشکیل گردید. در این جلسه از طرف یکی از اعضای حزب مسئله اخراج رفیق صفری از کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح گردید و توضیح خواسته شد که پس از یورش دوم به حزب و کشانده شدن افراد رهبری به سیاه‌چال زندان توسط دولت جمهوری اسلامی، چنین کسی چگونه و با کدام مجوز در مقام دبیر دومی حزب قرار گرفت. کاری که با روح اساسنامه حزبی مغایر است.

در این جلسه و در پاسخ به این پرسش بود که رفیق خاوری دبیر اول حزب توده ایران برای نخستین بار پس از سکوت چند ساله بعد از یورش، رسماً تأیید کرد که رفیق صفری به علت استنکاف از بازگشت به ایران که مورد خواست رهبری بود، در پلنوم ۱۷ از ترکیب کمیته مرکزی برکنار شد. رفیق خاوری همچنین با تکیه بر موقعیت خود در آن زمان (عضو هیأت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی) تأکید کرد که خود ایشان هم به اخراج رفیق صفری رأی موافق داده است.

رفیق خاوری به منظور توجیه این دعوت از یک اخراجی از کمیته مرکزی ادعا کردند که گویا پیش از تشکیل پلنوم هجدهم تحقیقاتی درباره اخراج رفیق صفری شده و معلوم گردیده اخراج ایشان از کمیته مرکزی درست نبوده و با این بیان هم تصمیم پلنوم ۱۷ و هم رأی خود به این تصمیم را تخطئه کردند.

این جلسه پایان یافت ولی موضوع اخراج رفیق صفری و سپس بازگرداندن ایشان و قرار دادن ایشان در مقام دبیر دومی حزب، به صورت گسترده‌ای در محافل حزبی بحث همه‌جانبه‌ای را توأم با نارضایتی شدید اکثریت قریب به اتفاق رفقای مقیم کابل برانگیخت و اعتراض به عمل رفیق خاوری دبیر اول حزب که خودسرانه و برخلاف اساسنامه حزب، از یک فرد اخراج شده از کمیته مرکزی دعوت به همکاری کرده‌اند دامنه گرفت و تا به حد حادترین بحث گسترش یافت.

من به هنگام پلنوم ۱۷ به علت بیماری نتوانستم شرکت کنم. پس از پایان پلنوم رفیق بهزادی از طرف رفقای رهبری به عیادت من آمد و انتخاب مرا از طرف پلنوم به عنوان عضو کمیته مرکزی اطلاع داد و اعلام کرد که رفیق صفری به علت استنکاف از بازگشت به ایران، و سرباز زدن از شرکت در پلنوم ۱۷، از ترکیب کمیته مرکزی برکنار شده است.

ولی جریان بازگرداندن ایشان به رهبری پس از یورش دوم و به زندان افتادن رفقای رهبری و قرار دادن ایشان در مقام دبیر دومی، شدیدترین واکنش‌ها را در بین اعضای حزب برانگیخته بود. در این رابطه به خصوص به این جانب که از تمام جریان‌ها به کلی دور و برکنار نگه داشته شده بودم به عنوان یک عضو قدیمی حزب و تنها عضو کمیته مرکزی در محل که رفقا آزادانه می‌توانستند به من دسترسی داشته باشند، مکرر در مکرر مراجعه و توضیح خواسته شد و هنوز هم این مراجعات با همان حدت ادامه دارد و تمام مراجعه‌کنندگان مرا به علت عضویت در کمیته مرکزی در این مسؤولیت که در حقیقت بازی با سرنوشت حزب بوده است شریک می‌شمارند. زیرا هیأت سیاسی اول که جوابگوی اصلی می‌باشند، در دسترس آن‌ها قرار ندارند و نداشته‌اند و هرگاه یکی از این رفقا به کابل می‌آمد، آمد و بازگشت او (ظاهراً به دلایل امنیتی) در خفا انجام می‌گرفت — به استثناء یکی دو مورد. و من هم که در هیچ جریانی وارد نبودم (این موضوع به توضیحات مفصلی نیاز دارد) و نیستم، هیچ توضیحی نداشته‌ام و ندارم که به آن‌ها بدهم. حتی در یک مورد به حدی در فشار قرار گرفتم که برخلاف تمام اصول ادب و نزاکت عذر طرف را از خانه خود خواستم.

به این جهت، برای این که بتوانم توضیحی ولو در حد ساکت کردن رفقا به آن‌ها بدهم از رفیق خاوری دبیر اول حزب که مدعی شد گویا در تحقیقات بعدی برائت رفیق صفری به اثبات رسیده است تقاضا دارم لطفاً به پرسش‌های زیر پاسخ بدهند.

۱- از اول اسفند ۱۳۵۹ که پلنوم ۱۷ تشکیل شد تا خرداد ۶۲ که کمیته برون مرزی اعلان موجودیت کرد، ایشان طبق بیان صریح خودشان در جلسه عمومی شهرپور گذشته در جریان اخراج رفیق صفری از ترکیب کمیته مرکزی بودند و خودشان هم به اخراج رفیق صفری رأی موافق داده‌اند و بعداً در خرداد ۶۲ یعنی بعد از یورش دوم به حزب و به دام افتادن رفقای رهبری که کمیته برون مرزی اعلام موجودیت کرد به فکر رسیدگی به وضع رفیق صفری افتادند.

۲- این رسیدگی به چه صورت، چه وقت، و در کدام کمیسیون صلاحیت دار انجام شد؟ اعضای این کمیسیون چه کسانی بوده‌اند؟ کدام سند رسمی از طرف چنین کمیسویی منتشر شده؟ چرا اعضای کمیته مرکزی قبلاً در جریان قرار نگرفته‌اند؟

۳- اسناد مورد رسیدگی این کمیسیون آیا پیش از یورش‌ها به حزب به دست آمده است؟

الف: اگر اسناد پیش از یورش به دست آمده چرا آن‌ها را تسلیم مرکز رهبری حزب در ایران نکرده‌اند تا براءت رفیق صفری تأیید شود؟

ب: اگر اسناد بعد از یورش به دست آمد به چه علت تسلیم کنندگان مورد مؤاخذه قرار نگرفته‌اند که چرا تا آن موقع اسناد را افشا نکرده‌اند؟

۴- در این رابطه سراپای استدلال‌ها مبنی بر براءت رفیق صفری مبتنی بوده است به شهادت شفاهی دو نفر از رفقا، رفیق عباس [ندیم] و رفیق عاصمی، و ادعا شده است که گویا رفیق صفری طی نامه‌ای به رهبری آمادگی خود را برای حضور در پلنوم ۱۷ اعلام داشته‌اند و گفته شده این نامه در اختیار رفیق عباس [ندیم] قرار دارد، و هیچ‌گاه روشن نشده است که نامه رفیق صفری به‌عنوان رفقای رهبری در ایران، چگونه به دست رفیق عباس [ندیم] افتاده که هیچ‌گاه در ایران نبوده است.

نکته دیگر در این رابطه این است که چنین نامه‌ای هیچ‌گاه به هیچ مرجعی برای رسیدگی تسلیم نشده و جز اظهارات شفاهی رفقا عباس [ندیم] و عاصمی هیچ دلیل دیگری برای این موضوع وجود نداشته است.

ممکن است رفیق خاوری دبیر اول حزب استدلال کنند که رفیق صفری در حد یک عضو صلاحیت و توانایی فعالیت داشته است. در این صورت چرا این نظریه را با رهبری در مرکز در میان نهاده‌اند تا در کمیته برون مرزی در زیر نظر رهبری از ایشان استفاده شود.

۵- رفیق خاوری دبیر اول حزب با کدام مجوز و بر اساس کدام رأی کمیسیون تحقیق و کدام مقام صلاحیت دار از رفیق صفری عضو اخراجی از کمیته مرکزی خواستار همکاری شده است؟ آیا این کار خودسرانه و برخلاف اصول و اساسنامه حزب نبوده است؟

۶- به‌هنگام تشکیل پلنوم ۱۸، رفیق خاوری با کدام مجوز یک فرد اخراج شده از کمیته مرکزی را در کنار دیگران جای داد، پیش از این که کار او مورد رسیدگی قرار گرفته و استحقاق او برای شرکت در پلنوم محرز شده باشد؟

به‌دنبال تمام این جریان‌های پیچیده و مشکوک، هنگامی که پلنوم ۱۸ تشکیل شد، رفیق خاوری بدون رعایت کوچکترین اصل دمکراسی حزبی و با یک وضع دلبخواه و خودسرانه، نام ۵ تن از رفقا [خاوری، صفری، لاهرودی، داوود نوری و حبیب‌الله فروغیان] را به حاضرین در پلنوم عرضه داشت تا از بین آن ۵ نفر، ۵ نفر را به‌عنوان اعضای اصلی هیأت سیاسی انتخاب کنند!

و آنچه زنده‌تر و ناگوارتر بود، این که نام رفیق صفری جزو این ۵ نفر قرار داشت. این وضع از طرفی مورد اعتراض شدید

چند تن از رفقا قرار گرفت که سه تن از آنها بعداً از رهبری جدا شدند. اما از طرف دیگر به علت جو خاص حاکم بر پلنوم، حساسیت موقع، و احساس این ضرورت که به هر حال موجودیت حزب تسجیل شود، و با این امید که رفیق صفری در روش‌های نادرست خود تجدیدنظر کند، اکثریت به فهرست ۵ نفری رأی موافق داد.

آنچه بلافاصله پرده از بندوبست‌های پشت پرده و قبلی برداشت آن بود که به محض به دست آوردن اکثریت آراء سرهم‌بندی شده - که بسیاری از حاضرین تا آن لحظه از جریان پشت پرده بی‌خبر بودند - رفیق صفری که تا پیش از آن جلسه هنوز از او ولو به شکل ظاهر رفع اتهام نشده بود، برای قرائت گزارش، پشت تریبون قرار گرفت و معلوم شد این رفقا به حدی به موفقیت خود اطمینان داشتند که به منظور تحکیم هرچه بیشتر موقعیت رفیق صفری، دادن گزارش به پلنوم را به او واگذار کرده‌اند! در این جا بود که مفهوم واقعی مراجعه رفیق خاوری به رفیق صفری برای «همکاری» روشن گردید:

یعنی هم‌یاری جدایی‌ناپذیر یار هم‌رأی و همراه. و این موضوع هنگامی صورت حاد به خود گرفت که رفیق صفری به عنوان دبیر دوم در کنار رفیق خاوری، و رفیق لاهرودی که در تمام موارد مواضع او با رفیق صفری یکسان است، در کنار آنها در هیأت سیاسی قرار گرفتند.

حضور رفیق صفری در رهبری، آن‌هم در مقام دبیر دومی حزب، طی مدت سه سال لطمات جبران‌ناپذیری به سازمانی که حزب توده ایران نام دارد وارد آورده است. رفیق صفری موفق شده است شیوه بوروکراتیک و ضدحزبی تمرکز قدرت در یک سو و تفرقه بین واحدهای حزبی را در سوی دیگر، اتخاذ تصمیم از بالا و اطلاعات و اجراء از پایین را جانشین تمام اصول و موازین دموکراسی حزبی کند. هر زمان و هر جا که لازم شود آماده‌ام تا با ارائه دادن واقعیت‌ها تمام آنچه را که به دست رفیق صفری برای به انزوا کشاندن اعضا «نامطلوب»، ایجاد تفرقه بین واحدهای حزبی از آغاز فعالیت ایشان به عنوان دبیر دوم، ولی در حقیقت فرمانفرمای مطلق‌العنان حزب، تاکنون بر حزب گذشته است با توضیحات کافی روشن کنم.

من رفیق صفری را متهم می‌کنم که حزب توده ایران را چه از لحاظ سازمانی و چه از لحاظ معنوی به ورشکست سوق داده است. در این زمینه زمزمه وجود دارد که ایشان به علت آن‌که در پلنوم ۱۷ از عضویت کمیته مرکزی برکنار شده، در حقیقت دست به کینه‌کشی و انتقام‌جویی زده است.

من خطاب به رفقا به عنوان وصیت تأکید می‌کنم که با وجدان بیدار حزبی و انقلابی، تمام این مسایل را مورد توجه جدی قرار دهند: به خاطر نجات حزب از وضع بحرانی که گریبان‌گیر آن است با تشکیل یک کمیسیون تفتیش صلاحیت‌دار سرو صورتی به این اوضاع آشفته بدهند و در وهله نخست وضع رفیق صفری را و رسیدگی به آن را در دستور کار این کمیسیون قرار دهند پیش از این‌که حزب بیشتر از این به طرف تلاشی برود.

رفقا شما باید به این وضعیت توجه داشته باشید که نمی‌توانید و حق ندارید از زیر بار این مسئولیت که به سرنوشت حزب ارتباط می‌یابد بگریزید. وجدان بیدار و انقلابی توده‌های حزبی و خلق‌های میهن ما وجدان شما را به محاکمه می‌خواند.

در خاتمه برای اطلاع رفقا اضافه می‌کنم که یک نسخه از این نامه برای اطلاع و داوری حزب بزرگ برادر حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط رفیق دوبرینین فرستاده می‌شود.

رحیم نامور  
۱۹ مهرماه ۱۳۶۵، ۱۱ اکتبر ۱۹۸۶